

# تفکر و اندیشه

۱

بخش اول

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل اصلی ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت شکوفه‌های درختان و تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود.



آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان هستی است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا<sup>۱</sup>

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله ما انسان‌هاست.

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا<sup>۲</sup>

اما راستی حیات «روح» بشر وابسته به چیست؟ چه چیزی به روح و درون انسان شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی و حیاتتان می‌بخشد.»

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- سوره فرقان، آیه ۴۹.

۳- سوره انفال، آیه ۲۴.

يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ  
يَنْصُرُنَا مِنَ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا  
مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي  
آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾  
مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا  
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ  
التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُؤَلَوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ  
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ  
مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ  
إِذَا هَلَكَ قَلْبُكُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ  
يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي  
آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ  
آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَ  
قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

[مردی با ایمان از خاندان فرعون رو به سوی آنان گفت: ای قوم من، امروز حکومت از آن شماست، و در این سرزمین چیره گشته‌اید، ولی [با این همه قدرت] چه کسی ما را در رهایی از عذاب خدا - اگر به سراغمان آمد - یاری می‌رساند؟! فرعون گفت: من جز آنچه را می‌بینم و به درستی آن اطمینان دارم به شما نمی‌نمایم، و شما را جز به راه درست راهنمایی نمی‌کنم. ﴿۲۹﴾

و آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، حقیقتاً من بر شما از روزی همانند روز [عذاب] امت‌های گذشته بیمناکم ﴿۳۰﴾

من از نظیر آن سنتی که بر قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که پس از آنان بودند، جاری شد بیم دارم، و خدا برای بندگان ظلم و ستم نخواسته است. ﴿۳۱﴾

و ای قوم من، به راستی من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] صدا می‌زنند می‌ترسم؛ ﴿۳۲﴾

روزی که روی می‌گردانید و می‌گریزید؛ در آن روز برای شما در برابر [عذاب] خدا هیچ حمایتگری نیست و خدا هر که را [به خاطر اعمالش] در بیراهه قرار دهد، هدایت کننده‌ای برای او نیست. ﴿۳۳﴾

و به راستی یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، ولی شما همواره از آنچه آورده بود در تردید بودید، تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند پس از او رسولی بر نمی‌انگیزد. این‌گونه، خداوند کسانی را که از حدّ بگذرند و در شک و تردید به سر برند، به بیراهه می‌افکند. ﴿۳۴﴾

همان کسانی که درباره‌ی آیات خداوند بدون هیچ دلیل استواری مجادله می‌کنند. [این کارشان] خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد.

این‌گونه خداوند بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌زند. ﴿۳۵﴾

و فرعون گفت: ای هامان، برای من بنایی مرتفع بساز [تا بر فراز آن بروم]، شاید به اسباب [وسایل و راه‌هایی] دست بیابم. ﴿۳۶﴾



## دست‌اول



# هدایت الهی

همه ما، نیازهای کوچک و بزرگی داریم و خوشبختی و سعادت خویش را در برآورده شدن آنها جست‌وجو می‌کنیم و رضایت از زندگی را وابسته به میزان تأمین این نیازها می‌دانیم و همواره دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، در برآورده ساختن این نیازها یاری کند. احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب با ادعای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند.

آیا انسان می‌تواند با تکیه بر عقل خویش، برنامه کاملی را برای سعادت خود ارائه دهد؟  
به راستی یک برنامه مناسب برای سعادت انسان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟  
آیا برنامه‌ای که فقط سعادت دنیای انسان را در بر بگیرد، کامل است؟  
آیا می‌توان به برنامه‌های مکاتب مختلف اعتماد کرد و زندگی را براساس آنها بنا نهاد؟

## نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آنها را به انسان نشان داده است. برای مثال، در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا، می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم‌تر روبه‌رو می‌بیند؛ نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است<sup>۱</sup> و پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. برخی از این نیازها عبارت‌اند از:

**۱- شناخت هدف زندگی:** انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و با تکیه بر کدامین هدف می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است، در حالی که فرصت و توانایی جبران هم ندارد. چنین کسی در حقیقت، «سرمایه وجودی خود» را از دست داده است. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ<sup>۲</sup>

«در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که خودشان را دچار زیان کرده‌اند».

از این رو، امام سجاد علیه السلام پیوسته این دعا را می‌کرد که:

«خدایا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»<sup>۳</sup>

**۲- درک آینده خویش:** انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبه‌روست که:

«آینده او چگونه است؟»؛ «آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود، یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»

«اگر حیات، به شکل دیگری ادامه می‌یابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟»

۱- با این سرمایه‌ها در درس دوم کتاب دین و زندگی دهم با عنوان «بر پرواز» آشنا شده‌اید.

۲- سوره شوری، آیه ۴۵. ۳- وَ اسْتَفْرَغَ آيَامِي فِي مَا خَلَقْتَنِي لَهُ. دعای مکارم الاخلاق.

«زاد و توشهٔ سفر به جهان دیگر چیست؟»

و «خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟»

روزها فکر من این است و همه شب سختم که چرا غافل از احوال دل خوشترم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر تمنایی و طنم

پاسخ به این سؤال‌ها فقط از عهدهٔ کسی بر می‌آید که کاملاً از جهان دیگر و زندگی پس از مرگ آگاه باشد و زاد و توشهٔ آن را بشناسد و به دیگران اطلاع دهد.

**۳- کشف راه درست زندگی:** راه زندگی، یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغهٔ دیگر انسان‌های فکور و خردمند است. این دغدغه از آن رو دغدغه‌ای جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند. بنابراین، در این فرصت تکرارنشده، باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد و بتواند از همهٔ سرمایه‌هایی که خدا به او داده است، به خوبی بهره‌مند شود و به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده است، برسد.

### تدبّر کنید

در آیات سورهٔ عصر تدبّر کنید و با کمک دوستان خود، به سؤالات پاسخ دهید:

وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

۱- خداوند در این سوره به چه چیزی سوگند خورده است؟ چرا؟

.....

۲- چه زیان و خسارتی انسان را تهدید می‌کند؟

۳- چه کسانی دچار خسارت و زیان نمی‌شوند؟

سؤال‌هایی از قبیل چستی «هدف انسان»، «آیندهٔ او» و «راه درست زندگی»، دغدغهٔ انسان‌های جست‌وجوگری است که برای خود و فرصت زندگی‌ای که در اختیارشان قرار گرفته، ارزش قائل‌اند و نمی‌خواهند این موهبت یگانه و تکرارناپذیر را هدر دهند. این یک دغدغه و دل‌مشغولی مقدس است؛ زیرا نشان‌دهندهٔ بیداری و هوشیاری انسان و توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زیانی است که یک زندگی بی‌هدف را تهدید می‌کند.

غفلت و بی توجهی به این سؤال‌ها کار درستی نیست؛ زیرا آثار و عواقب زیانبار این بی توجهی وقتی گریبان انسان را خواهد گرفت که دیگر کاری از او ساخته نیست و امکان جبران نیست.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی، ره ز که پرسی، چرکنی، چون باشی؟

مکاتب فکری مختلف از ابتدای تاریخ تا کنون، به این سؤال‌ها پاسخ‌هایی داده‌اند و امروزه نیز بیش از گذشته بازار این پاسخ‌ها داغ است، به همین جهت هم، سرگردانی انسان امروز از گذشته بیشتر شده است.

### دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از مکتب‌هایی که بر اساس عقل و دانش بشری به این سؤالات پاسخ داده‌اند و نتایج وخیمی در زندگی انسان‌ها داشته‌اند، به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.<sup>۲</sup>

پاسخ به این سؤال‌ها باید حداقل دو ویژگی زیر را داشته باشد:

الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است، در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند.

ب) همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد؛ زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی وی، پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

با توجه به این دو ویژگی کسی می‌تواند پاسخ صحیح به این سؤال‌ها بدهد که:

۱- آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.

۲- همچنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

### فعالیت کلاسی

با توجه به توضیحات، بررسی کنید که

الف) آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤال‌ها پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

ب) آیا انسان به تنهایی می‌تواند مسیر سعادت را طراحی کند؟ چرا؟

۱- حافظ

۲- برای ورود به سایت گروه قرآن و معارف کافی است به آدرس <http://quran-dep.talif.sch.ir> مراجعه کنید یا عنوان «گروه درسی قرآن و معارف اسلامی» را در اینترنت جست‌وجو کنید.

توجه: مطالب بخش «دانش تکمیلی» صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموزان علاقه‌مند بوده و در آزمون‌های پایانی و آزمون‌های سراسری سؤالی از آن طراحی نخواهد شد.



## شیوهٔ هدایت خداوند

دانستیم که انسان به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای برتر خود نیست؛ اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا خداوندی که در دستگاه عظیم خلقت به نیازهای طبیعی و غریزی انسان پاسخ داده، انسان را در وادی نیازهای برتر و متعالی سرگردان رها کرده است؟ یا او را در این زمینه نیز راهنمایی و هدایت نموده است؟

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر مخلوقی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای رسیدن به آن هدف، او را هدایت و راهنمایی می‌فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

... قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى  
كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ  
ثُمَّ هَدَىٰ  
پروردگار ما همان کسی است که  
آفرینش هر چیزی را به او بخشیده،  
سپس [او را] هدایت کرده است.

خداوند همهٔ مخلوقات را هدایت می‌کند، اما شیوهٔ هدایت مخلوقات متفاوت است. توضیح آنکه هر مخلوقی، متناسب با ویژگی‌هایی که خداوند در وجودش قرار داده است هدایت می‌شود.<sup>۲</sup> انسان سرمایه‌های ویژه‌ای دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند و همین امر، سبب تفاوت شیوهٔ هدایت وی از سایر مخلوقات شده است.

یکی از این سرمایه‌های انسان، توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب اوست؛ یعنی انسان، ابتدا دربارهٔ هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، تفکر می‌کند و اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد؛ یعنی خداوند برنامهٔ هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد؛ این برنامه که دربرگیرندهٔ پاسخ به سؤالات بنیادین بشر است، توسط رسولان به مردم ابلاغ می‌شود تا انسان‌ها با تفکر در این برنامه و بی‌بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن با اختیار خود، این برنامه را انتخاب کنند و در زندگی به کار بندند و به هدفی که خداوند در خلقتشان قرار داده است برسند. انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجستهٔ خود، هشام بن حکم فرمود:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تراست، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.<sup>۳</sup>

۱- سورهٔ طه، آیهٔ ۵۰.

۲- به طور مثال، زنبور عسل که ساختمان بدنی ویژه‌ای دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوصی تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سورهٔ نحل: آیهٔ ۶۸).

۳- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.



بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان‌که گفته شد، چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زبان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آنجا زبان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده و می‌فرماید:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا<sup>۱</sup>

علت ناسپاس نامیده شدن چنین فردی، این است که وی برنامه اطمینان‌بخش را دیده، اما از انتخاب آن سربچی کرده است. عمل این فرد مانند کسی است که در هنگام تشنگی، ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه اینکه انتخاب با خودم است، جام زهری را که ظاهراً شیرین است، بنوشد. البته چنین انسان ناسپاسی، گرفتار آثار و پیامدهای عمل خود خواهد شد.

### تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید:

خداوند، در قرآن کریم درباره تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است:

رُسُلًا مُّبْتَلِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا  
 «رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد».<sup>۲</sup>

خداوند با ..... راه ..... را بسته است و حجت را بر بندگان تمام کرده است.

### پاسخ سؤالات شما<sup>۳</sup>

شاید این سؤال پیش بیاید که: انسان امروزی چقدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر: آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی‌یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی‌تر و جدی‌تر از گذشته پابرجاست، بلکه اگر انسان امروز به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار اوست.

۲- سوره نساء، آیه ۱۶۵.

۱- سوره انسان، آیه ۳.

۳- این قسمت صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموز است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه سؤالی از آن

طرح نمی‌شود.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک این علوم به نیازهای برتر انسان پاسخ گفت. اما هر قدر که علم پیش می‌رفت، انسان احساس می‌کرد که نیازهای بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروزی می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضد انسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق‌العاده جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، انواع مواد مخدر در شکل‌های مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و استفادهٔ ابزار از زن، ارزش انسانی زن را تنزل داده است.

اگر از ظاهر ترین شدهٔ زندگی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان امروزی دریافته است که علم با همهٔ فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ‌رهای بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است تا بار دیگر به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروزی بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

خوب است بدانیم که اکنون ترجمهٔ قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرفرودارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام می‌گروند، بیش از گروندگان به سایر ادیان است.<sup>۱</sup>

## اندیشه و تحقیق

۱- آیا می‌توانیم پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقهٔ فردی واگذار کنیم؟ چرا؟

۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه

پیش آید، خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟

۳- قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم. پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده است و تو وکیل و مدافع آنها نیستی».<sup>۲</sup>

این آیه به کدام یک از مفاهیم درس اشاره دارد؟

۴- شعر زیر با کدام یک از نیازهای برتر انسان مرتبط است؟ چرا؟

مرد خرومند هجر پیشه<sup>۳</sup> را      عمر دو بایست در این روزگار  
تا به یکی تجربهٔ آموختن      با دگری تجربهٔ بردن به کار<sup>۴</sup>

۱- [www.yjc.ir/fa/news/۴۴۰۵۵۳۱](http://www.yjc.ir/fa/news/۴۴۰۵۵۳۱)


۴- سعدی.





۳- هنریشه: کاردان و با فرهنگ.

۲- سورهٔ زمر، آیهٔ ۴۱.



وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ  
 مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ  
 لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ  
 وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا  
 قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾  
 فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾  
 أَغْيِرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ  
 وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾  
 قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ  
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ  
 وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ رَبِّهِمْ  
 لَا نَفَرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾  
 وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ  
 مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾

و [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها] پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس [در آینده] فرستاده‌ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود، حتماً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. آن‌گاه [به پیامبران] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمان مرا پذیرفتید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه و شاهد باشید و من نیز با شما از شاهدانم. 

پس کسانی که بعد از این روی برتابند، آنان فاسقان اند.   
 آیا غیر از دین خدا می‌جویند؟ و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین اند، خواه و ناخواه در برابر او تسلیم اند. و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.   
 [ای پیامبر،] بگو: من و پیروانم به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [پیامبرانی از نسل یعقوب] فرو فرستاده شده، و آنچه به موسی و عیسی و دیگر پیامبران از جانب پروردگارشان عطا شده است ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی‌گذاریم و ما تسلیم و فرمانبردار خداییم.   
 و هرکس جز اسلام دین دیگری طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. 



خداوند با لطف و رحمت خود، ما انسان‌ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد که همان راه مستقیم خوشبختی است.  
در این درس می‌خواهیم به این سؤال پردازیم که:  
آیا خداوند یک راه و یک دین برای ما فرستاده، یا راه‌ها و ادیان متعددی در اختیارمان قرار داده است؟

به ترجمه آیات توجه کنید :

۱- «خداوند از دین، همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا بدارید، و در آن تفرقه نکنید.»<sup>۱</sup>

۲- «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»<sup>۲</sup>

۳- «[این دین] آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.»<sup>۳</sup>

۴- «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود.»<sup>۴</sup>

اکنون به این سؤالات پاسخ دهید :

الف) خداوند از پیامبران می‌خواهد تا در چه چیز تفرقه نکنند؟

.....  
.....

ب) دین مورد قبول نزد خداوند کدام است؟

.....

ج) اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره چه چیز اختلاف کردند؟ علت اختلاف آنها چه بود؟

.....  
.....  
.....

د) حضرت ابراهیم علیه السلام چه آیینی داشت؟

.....

ه) مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه آیینی می‌دانستند؟

.....

۱- سوره شوری، آیه ۱۳.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۳- سوره حج، آیه ۷۸.

۴- سوره آل عمران، آیه ۶۷.



دین به معنای «راه» و «روش» است. راه و روشی که خداوند برای زندگی انسان‌ها برگزیده، همان دین الهی است که بدان اسلام می‌گویند. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را انجام داده‌اند.

حال شایسته است بدانیم :

۱- چرا خداوند فقط یک دین برای هدایت بشر فرستاده است؟

۲- با وجود یکی بودن دین، چرا خداوند، پیامبران متعدد فرستاده است؟

۳- چرا امروزه ادیان مختلفی در جهان وجود دارد؟

**فطرت مشترک، منشأ دین واحد**

فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این افراد با اینکه در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت دارند، ولی همگان ویژگی‌های فطری مشترکی دارند. به طور مثال، همه انسان‌ها :

✽ از استعداد تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.

✽ فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند

ظلم، حسادت و دروغ بیزارند.

✽ به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند.

✽ از فنا و نابودی گریزان و در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.

به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته،

تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. همان‌طور که گفته شد، این برنامه

اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی، به ایمان قلبی دست

یابد. ایمان به :

● خدای یگانه و دوری از شرک

● فرستادگان الهی و راهنمایان دین

● سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه

● عادلانه بودن نظام هستی

و در حیطة عمل، از انسان می‌خواهند با ایمانی که کسب کرده است، تلاش نماید تا :

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی و امانت‌داری را کسب نماید و از رذائل اخلاقی، مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.
- جامعه‌ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

همه پیامبران الهی مردم را به این امور فراخوانده‌اند. به همین دلیل، محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است و همه آنها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعالیم انبیا در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره با دوره‌های دیگر تفاوت داشته است؛ مثلاً همه پیامبران، امت‌های خود را به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.

### علل فرستادن پیامبران متعدد

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت فرستادن پیامبران متعدّد به این دلایل بوده است :

- الف) استمرار و پیوستگی در دعوت :** لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمرّ آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها جاودان بماند و گسترش یابد و شرک و ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد، تا تعالیم الهی جزء سبک‌زدگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.
- ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم :** علت دیگر فرستادن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از این رو، لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت، هر پیامبری که مبعوث می‌شد، درباره توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته، اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

ما پیامبران مأمور شده‌ایم  
که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم

إِنَّا مَعَاثِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِّرْنَا  
أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ<sup>۱</sup>

۱- کافی، ج. ۸، ص ۲۶۸.

ج) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین : به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیا به تدریج فراموش می‌شد، یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد؛ بر این اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر به مردم ابلاغ می‌کردند.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما اگر خداوند در همان آغاز آفرینش حضرت آدم علیه السلام برنامه خود را برای زندگی انسان، یکبار برای همیشه بر حضرت آدم علیه السلام نازل می‌کرد، چه اتفاقی برای انسان‌های همان عصر و انسان‌های سایر عصرها می‌افتاد؟

### بیشتر بدانیم

#### نگاهی به تورات و انجیل و تحریفات آنها

شما احتمالاً نام کتاب مقدس را شنیده‌اید. این کتاب متشکل از دو قسمت عهد عتیق (تورات و چند بخش دیگر) و عهد جدید (انجیل) است و به همین دلیل به عهدین نیز معروف است. عهد عتیق فقط کتاب مقدس یهودیان است، ولی مسیحیان تورات و انجیل را با هم به عنوان کتاب مقدس قبول دارند. وجود تعلیمات متناقض با عقل و علم نشان می‌دهد بخش‌های زیادی از عهدین مورد تحریف واقع شده است.

یهودیان توراتی را که از حضرت موسی علیه السلام باقی ماند بود، در تابوت مقدس نگهداری می‌کردند. در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مسیح، بخت النصر طی حمله‌ای تابوت و تورات را نابود کرد. یهودیان در سال ۴۷۵ قبل از میلاد تورات را مجدداً جمع‌آوری کردند؛ یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات نبود و همین امر، وقوع تحریف را ممکن ساخت. به همین دلیل، در جمع‌آوری تورات مطالب فراوانی از مشرکان و بت پرستان وارد شد.

در قرن‌های اولیه مسیحیت، حدود صد انجیل وجود داشت که کلیسا فقط چهار مورد را پذیرفت و به آنها رسمیت داد. امروزه نیز این چهار انجیل مرسوم است. نسبت این انجیل و مابقی آنها به مؤلفانشان جای تردید فراوان دارد.

در تورات، خداوند فردی ناقص، ترسو و حسود معرفی شده است. از نظر تورات علت اینکه خداوند، آدم و حوا را از درخت ممنوعه نهی فرمود و آنان را از بهشت اخراج کرد، این است

که خداوند ترسید آدم با خوردن از میوه درخت ممنوعه، به نیک و بد آگاه شود و زندگی جاودانی بیابد و همانند خداوند شود. چنین چیزی با علم، حکمت، قدرت و غنای الهی ناسازگار است. در تورات نسبت‌های ناروایی به پیامبران الهی داده شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- حضرت یعقوب علیه السلام با خداوند کشتی گرفت و نزدیک بود پشت خدا را به خاک بزند!
- ۲- حضرت داود علیه السلام برای اینکه بتواند با همسر یکی از سردارانش ازدواج کند، او را در صف اول به جنگ می‌فرستد تا کشته شود.
- ۳- حضرت سلیمان علیه السلام به خاطر تمایل همسرانش به بت پرستی، دستور ساخت بتخانه‌های فراوانی را صادر می‌کند.

در انجیل نیز مطالب تحریف شده‌ای وجود دارد. به عنوان نمونه، هر انسانی را که متولد می‌شود گناهکار می‌داند زیرا حضرت آدم علیه السلام از درخت ممنوعه خورد و گناه کرد و گناه او به همه فرزندان سرایت کرده است! همچنین در تعالیم انجیل آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فدا شد تا گناهان همه پیروانش تا قیامت بخشیده شود و . . .

## علل وجود ادیان مختلف

حال به پاسخ سؤال سوم می‌پردازیم که چرا در جهان ادیان متعددی وجود دارد؟ تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیای الهی نشان می‌دهد هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث می‌شد، پیامبران گذشته را تصدیق و خود را ادامه دهنده راه آنان معرفی می‌کرد. پیامبر جدید از مردم می‌خواست به دستور خداوند از او پیروی کنند و یاری‌اش دهند. هیچ پیامبری، پیامبر قبلی را انکار و رد نکرد؛ بلکه خود را ادامه دهنده راه او معرفی می‌کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز که در سلسله انبیا قرار داشت، از همین روش پیروی کرده است. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ<sup>۱</sup>

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده‌اند.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ  
ما همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم.

پیامبر اکرم ﷺ خود را ادامه دهنده راه همه انبیا و تمام کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست تا به ایشان ایمان آورند. با وجود آنکه وعده آمدن ایشان در تورات و انجیل داده شده بود، برخی از بزرگان یهودی و مسیحی، رسالت پیامبر رحمت را انکار کردند و حتی به مبارزه علیه ایشان برخاستند.

### دانش تکمیلی

با اینکه تورات و انجیل امروزی با آنچه خداوند به عنوان کتاب آسمانی فرستاده بود تفاوت‌های بسیاری دارد و سعی شده تا هر جا که به صورت مستقیم بشارتی به آمدن حضرت محمد ﷺ داده شده است، حذف یا تحریف شود؛ اما هنوز آثاری از این بشارت‌ها در این دو کتاب باقی است. اگر دوست دارید با برخی از این بشارت‌ها آشنا شوید به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلافات و چند دینی را از ناحیه آن دسته رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت) پیامبر جدید را انکار می‌کردند و منشأ اصلی اختلاف در ادیان الهی می‌شدند. این دلیل درباره ادیانی است که منشأ اصلی آنها الهی است. امروزه ادیانی وجود دارند که کاملاً به دست انسان‌ها ساخته شده است و جنبه الهی ندارند. برخی از سازندگان این ادیان، خود را به دروغ پیامبر معرفی کرده‌اند و برخی نیز خود را از جانب خدا نمی‌دانند، بلکه آنچه به فکرشان رسیده است، در قالب یک دین به مردم عرضه کرده‌اند.

برخی این سؤال را می‌پرسند که اگر خداوند پیامبران را برای هدایت تمامی انسان‌ها فرستاده است پس چرا همه پیامبران در منطقه خاورمیانه مبعوث شده‌اند و ما پیامبری که در آفریقا یا اروپا مبعوث شده‌باشد، نداریم؟

در پاسخ باید گفت: ادعای بعثت همه پیامبران در منطقه خاورمیانه از اساس باطل است؛ زیرا:  
 ۱- بنا بر فرمایش خداوند در قرآن کریم هیچ امتی در گذشته نبوده مگر اینکه برای آن هشداردهنده، راهنما و پیامبری فرستاده شده است، این آیات به صراحت اعلام می‌کنند که هیچ قومی بر روی کره زمین از نعمت نبوت و هدایت الهی محروم نبوده و نخواهد بود. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

... وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ<sup>۱</sup>: .. و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است!

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...<sup>۲</sup>: ما در هر امتی رسولی برانگیختیم تا خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید!...

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ<sup>۳</sup>: ... جز این نیست که تو بیم‌دهنده‌ای و هر قومی را هدایت‌گری است.

۲- در قرآن کریم، به این نکته تصریح شده که نام بسیاری از پیامبران در این کتاب شریف نیامده است: سوره غافر آیه ۷۸ و سوره نساء آیه ۱۶۴.

یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر از سوی خداوند مبعوث شده‌اند که تنها حدود ۳۰ نفر از آنها در قرآن نام برده شده است؛ اگر قرار بود فقط نام پیامبران در قرآن ذکر شود تصور کنید که حجم قرآن چقدر می‌شد! از همین جهت، ما اسامی بسیاری از پیامبران مناطق آسیای شرقی، اروپا، امریکا و آفریقا را در دست نداریم و تنها می‌توانیم به ویژگی‌های ایشان نظیر عصمت و وحی و مانند آن اشاره کنیم.

چکیده سخن اینکه، نمی‌توان وجود پیامبران را به منطقه خاورمیانه محدود دانست؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد، هیچ قومی بر روی زمین از هدایت پیامبران محروم نبوده است.

۱- سوره فاطر، آیه ۲۴.

۲- سوره نحل، آیه ۳۶.

۳- سوره رعد، آیه ۷.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ  
 أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ  
 مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ  
 اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا  
 ﴿٤٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا  
 ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي  
 يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ  
 الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا  
 ﴿٤٣﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا  
 كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ  
 مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا  
 مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا  
 كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تَطِعِ الكُفْرِينَ وَالمُنْفِقِينَ وَدَع  
 أَنفُسَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾



[پیامبران گذشته] همان کسانی‌اند که رسالت‌ها و پیام‌های خدا را [به مردم] می‌رسانند و از او خشیت دارند و از احدی جز او بیم ندارند، و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. ﴿۳۹﴾

محمد ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، ولی فرستادهٔ خدا و خاتم پیامبران است و خدا به هر چیزی داناست. ﴿۴۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید. ﴿۴۱﴾  
و بامدادان و عصرگاهان تسبیح او گوید. ﴿۴۲﴾

اوست آنکه با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها [ی غفلت] به روشنایی [یاد خویش] به درآورد و او نسبت به مؤمنان همواره مهربان است. ﴿۴۳﴾

روزی که آنان [مؤمنان] به لقای خدا می‌رسند، درودی که تبارشان می‌شود «سلام» است [که نویددهندهٔ سلامت و امنیت است] و خداوند برای آنان پاداشی ارزشمند و گرامی فراهم ساخته است. ﴿۴۴﴾

ای پیامبر، ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم. ﴿۴۵﴾  
و نیز دعوت‌کنندهٔ مردم به سوی خدا، به فرمان او و چراغی تابان. ﴿۴۶﴾  
و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از جانب خداوند، بخششی بزرگ است. ﴿۴۷﴾  
و از کافران و منافقان [در هیچ پیشنهادی] اطاعت مکن، و به آزارشان بی‌اعتنا باش و به خدا توکل کن که خداوند برای کارسازی کافی است. ﴿۴۸﴾

خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را «خاتم النبیین»<sup>۱</sup> معرفی می کند.

وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ      بلکه رسول خدا و پایان بخش پیامبران است.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف، خود را به عنوان آخرین پیامبر الهی معرفی می کرد<sup>۳</sup> تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند، یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست.

در این درس، به پاسخ این سؤالات می پردازیم که :

چه عواملی سبب شد تا نیازی به آمدن پیامبر جدید نباشد؟

با آمدن آخرین پیامبر، وظیفه کسانی که پیرو پیامبران پیشین بوده اند، چیست؟

۱- «خاتم» در لغت به معنای نگین انگشتری است. نگین علاوه بر زیبایی، در حقیقت مَهر بزرگان نیز محسوب می شد و هرگاه که می خواستند پایان نامه یا سندی را امضا کنند، مَهر را در پایان آن می زدند و نامه را با آن به پایان می رساندند. بدین جهت، رسول خدا که آخرین فرستاده و پایان بخش پیامبران است، «خاتم النبیین» نامیده شده است.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۰.      ۳- نمونه آن، حدیث منزلت است که در درس های بعد با آن آشنا می شوید.

## عوامل ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می‌فرستد، و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می‌دهد، تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست؛ زیرا اوست که دقیقاً می‌داند عوامل ختم نبوت فراهم شده، یا نه. مثلاً یکی از عوامل بی‌نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است. بنابراین، با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، در می‌یابیم که عوامل بی‌نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است. این عوامل عبارت‌اند از:

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می‌بینیم که با ورود اسلام به سرزمین‌های دیگری مانند ایران، عراق، مصر و شام نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهور کردند. در واقع، انسان‌ها وارد دوره‌ای شده بودند که می‌توانستند با تفکر در برنامه ارسال شده از سوی خدا، نیازهای هدایتی خود را در طول زمان‌های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره‌ای به معارف جدیدتر و عمیق‌تری دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ: تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.<sup>۱</sup>

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام: دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد

۱- با مسئولیت‌های امامان در درس‌های آینده بیشتر آشنا خواهید شد.

که می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوره‌های مختلف باشد. یکی از این ویژگی‌ها وجود دو دسته قوانین ثابت و متغیر، متناسب با نیازهای ثابت و متغیر بشر است.

توضیح اینکه انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد؛ نیازهای ثابت همانند امنیت، عدالت، داد و ستد با دیگران، تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها همواره برای بشر وجود داشته است و از بین نمی‌روند. دین اسلام نیز برای تأمین هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد. دسته دیگر، نیازهای متغیر هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند؛ مثلاً داد و ستد، یک نیاز ثابت است. قرآن کریم برای این نیاز ثابت، یک قاعده و اصل ثابت دارد و آن قاعده این است که

**أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا؛ خداوند معامله را حلال کرده است و ربا را حرام.**

اما شیوه داد و ستد، ممکن است در هر زمان تغییر کند؛ مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می‌کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می‌گرفتند، بعدها پول اعتباری، یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله‌ها را تنظیم می‌کنند. در هر یک از این موارد، ربا شکل خاصی پیدا می‌کند که باید تشخیص داده شود. این شکل‌های خاص نیازهای متغیر ما هستند که فقیهان و مجتهدان براساس آن اصل ثابت، و با تحقیق و مطالعه در کتاب و سنت، شکل‌های خاص ربا و معامله در این زمان را معین می‌کنند و به کسانی که مجتهد نیستند، اعلام می‌کنند تا مطابق با آن عمل کنند.

### بیشتر بدانیم

یکی دیگر از نیازهای ثابت، نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمنان است. قرآن کریم درباره این نیاز نیز یک قاعده ثابت دارد و می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»<sup>۱</sup>

«در برابر آنان، هر نیرویی که می‌توانید از جمله نگاهداری اسبان، فراهم آورید، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید». فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرئت حمله پیدا نکند، یک قاعده ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان‌گونه که در یک دوره زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروزه حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

۱- سوره بقره، آیه ۷۵.

۲- سوره انفال، آیه ۶۰.

قاعده دیگری که در قرآن کریم آمده این است که فرمود :

ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ خداوند در دین برای شما مشقت و سختی قرار نداده است.<sup>۱</sup>

بر اساس این قاعده، اگر مسلمانان در اجرای یک قانون دچار تنگنا و مشقت شوند، می توانند با نظر فقیه و متخصص دین، آن را به شکلی انجام دهند که از این تنگنا بیرون آیند.

در کنار قوانین ثابت و متغیر، اسلام برای حاکم نظام اسلامی اختیارات ویژه‌ای در نظر گرفته است که این اختیارات بیشتر در مواردی است که یک مورد مهم با یک مورد مهم تر در تضاد قرار می‌گیرد و شرایط ویژه‌ای پیش می‌آورد که نیازمند قانون جدید است و حاکم اسلامی می‌تواند این قانون جدید را وضع کند. به عنوان مثال، در دین اسلام هر کس نسبت به مالی که از راه حلال به دست آورده است، اختیار دارد و می‌تواند آن را به اختیار خود در هر جا و مکانی که می‌خواهد در امور مشروع مصرف کند. اما اگر حکومت اسلامی تشخیص دهد که برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور لازم است خرید و فروش برخی کالاها محدود شود، می‌تواند با وضع احکام و مقرراتی، تجارت آزاد را محدود کند و مقررات ویژه‌ای برای صادرات و واردات اجناس وضع نماید.

همچنین نظام اسلامی می‌تواند برای حمایت از تولید ملی و اشتغال بیشتر جوانان و بیکار نشدن کارگران مانع ورود کالاهایی شود که امکان تولید آنها در کشور وجود دارد و مردم می‌توانند آن را تولید کنند.

بنابراین، بر اساس ویژگی‌هایی که بیان شد، دین آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه برای هدایت تمامی انسان‌ها در همهٔ زمان‌هاست و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.

\*\*\*

یکی خط است ز اول تا به آخر	بر او خلق جهان گشته مسافر
در این ره، اینها چون ساربان‌اند	دلیل و رهنمای کاروان‌اند
و ز ایشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار
بر او تخم آمده پایان این راه	بر او نازل شده «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ» <sup>۲</sup>
شده او پیش و دل‌ها جمله در پی	گرفته دست جان‌ها دامن وی <sup>۳</sup>

۱- سورهٔ حج، آیهٔ ۷۸.

۲- سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۸.

۳- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

برخی می پرسند با چه دلایلی می توان اثبات کرد که قرآن تحریف نشده است؟

در پاسخ می گوئیم :

دلایل زیادی بر عدم تغییر و تحریف قرآن بیان شده است که برخی از آنها عبارت اند از :

### ۱- تأکید خداوند بر حفظ قرآن

از میان مهم ترین آیاتی که می توان به واسطه آنها بر عدم تحریف قرآن استدلال نمود، این آیه

است :

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ : بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً حفظ کننده آن خواهیم بود.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، ما در قرآن هیچ اختلافی بین آیات آن مشاهده نمی کنیم، اما اگر قرآن تحریف شده

بود، قطعاً به فرموده خود قرآن، در آن اختلافات بسیاری یافت می شد.<sup>۲</sup>

### ۲- اهتمام مسلمانان به حفظ و صیانت از قرآن :

پیامبر پس از دریافت وحی، کاتبان وحی را فرا می خواندند و آیات نازل شده، توسط آنان نگاشته

می شد که در اسناد تاریخی، نام بیش از سی تن از این کاتبان برشمرده شده است. مسلمانان آن قدر

به ضبط آیه ها و حرف حرف قرآن اهمیت می داده اند که گمان هرگونه تحریفی در قرآن را از بین

می برد.

### ۳- یکسان بودن همه نسخه های قرآن از زمان پیامبر تاکنون

یکی از دلایلی که شبهه تحریف را از بین می برد این است که همه نسخه های قرآنی که از صدر

اسلام و همچنین در دوره های مختلف تاریخی باقی مانده است، دقیقاً به همین شکلی است که

اکنون وجود دارد.

با توجه به این نکته اگر تغییر و تحریفی در قرآن رخ می داد، بی تردید باید شاهد تفاوت قرآن های

امروزی با نسخه های به جای مانده از قرن های گذشته و به خصوص صدر اسلام باشیم.

امروزه در مجموعه های فرهنگی و موزه های مربوط به نسخ خطی جهان، قرآن هایی موجود

است که نگارش آنها به بیش از هزار سال و گاه به عصر پیامبر می رسد، و همه این نسخه ها از آغاز

تاکنون بدون هیچ تحریف و کاستی یا زیادتی است و همگی از لحاظ آیات و محتوا همانند یکدیگر

۱- سوره حجر، آیه ۹.

۲- سوره نساء، آیه ۸۲.

می‌باشند. به تازگی نیز در تحقیقاتی<sup>۱</sup>، کارشناسان آلمانی پی برده‌اند قرآنی که در کتابخانه دانشگاه توینگن آلمان نگهداری می‌شود، بسیار قدیمی و مربوط به نیمه اول قرن اول هجری است. قرآن یاد شده از ۱۵۰ سال پیش در خزانه کتابخانه دانشگاه توینگن نگهداری می‌شود، اما تاکنون کسی به قدمت و اهمیت آن پی نبرده بود. نسخه‌شناسان با استفاده از تکنیک‌های نوین دریافته‌اند که قرآن مزبور، در سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است؛ یعنی تنها ۲۰ تا ۴۰ سال پس از رحلت حضرت محمد ﷺ.

## وظیفه پیروان پیامبران گذشته

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می‌فرستد، وظیفه پیروان پیامبر قبل چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟ همان‌طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان‌ها فرستاده است که از آن به «اسلام» تعبیر می‌شود. هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کرده‌اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد. هر پیامبری که می‌آید، به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از پیامبران گذشته است. علاوه بر این، امروزه به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان‌ها آن را کم و زیاد نکرده‌اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد. بنابراین، تنها دینی که می‌تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است:

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند

از او پذیرفته نخواهد شد

و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ<sup>۲</sup>

برخی تصور می‌کنند پیامبران مانند فروشندگان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه‌ای

۱- [www.corpuscoranicum.de](http://www.corpuscoranicum.de)

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۵.



باز کرده و کالای خود را تبلیغ می‌کنند و مردم می‌توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مانند معلمان یک مدرسه‌اند که پایه‌های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می‌کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می‌کنند.

پیامبران مردم را به سوی خدا دعوت می‌کردند نه به سوی خود، و همه یک راه و یک سخن داشته‌اند و همه یکدیگر را تأیید کرده‌اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد، در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.

همان‌طور که خداوند به مسلمانان دستور داده است :

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا  
وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ  
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ  
وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ  
وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ  
لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ  
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ<sup>۱</sup>

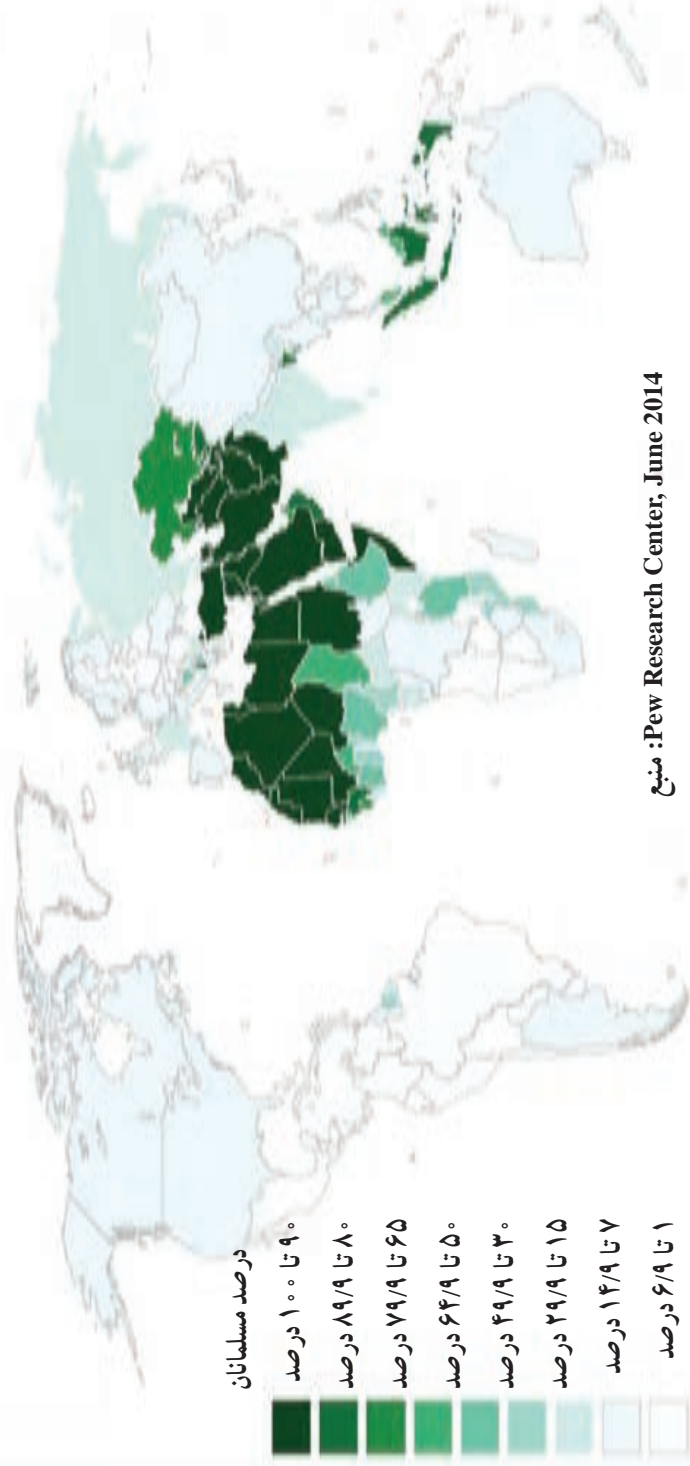
بگوئید: ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم  
و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل  
و اسحاق و یعقوب و پیامبرانی [از نسل یعقوب] نازل شده،  
و به آنچه به موسی و عیسی داده شده،  
و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده،  
میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛  
و در برابر او تسلیم هستیم.

در این میان، ممکن است پیروان پیامبران گذشته از آمدن پیامبر جدید آگاه نشوند؛ چنین افرادی نزد خداوند عذر دارند و اگر مطابق دین خود عمل کرده باشند، پاداش خود را می‌گیرند. همچنین اگر کسانی دست به تحقیق و جست‌وجو بزنند، اما نتوانند به حقایق دین جدید پی ببرند، عذرشان نزد خداوند پذیرفته است و مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند. البته خداوند از قلب و درون همه آگاه است و میان کسانی که حقیقت را درک کرده‌اند، اما به خاطر امیال دنیوی از آن پیروی نمی‌کنند و کسانی که با همه زحمتی که کشیده‌اند، حقیقت را نیافته‌اند (که معمولاً تعدادشان بسیار اندک است) فرق می‌گذارد و گروه دوم را مؤاخذه نخواهد کرد.

### دانش تکمیلی

برای کسب دانش بیشتر در خصوص چگونگی محاسبه اعمال افراد غیرمسلمان در جهان آخرت به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

## جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۱۴ میلادی



منبع: Pew Research Center, June 2014

### سر نوشت کتاب انجیل

کتاب انجیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام‌های انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل‌ها به نام نویسندگانشان که از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام بوده‌اند، نام گذاری شده‌اند.

مورخان نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هر یک از یاران حضرت عیسی یا شاگردان آنها، برداشت‌ها، خاطرات و الهامات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. سال‌ها در میان مردم، انجیل‌های مختلفی وجود داشت تا اینکه حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت انجیل‌هایی را که احتمال نزدیکی بیشتری به انجیل واقعی دارند، مشخص کند و اجازه انتشار به سایر انجیل‌ها را ندهد. از این رو، چهار انجیل ذکر شده را، با وجود اختلافی که با هم دارند، انجیل راستین و انجیل‌های دیگر را انجیل‌های جعلی و دروغین نامیدند؛ در حالی که حضرت عیسی علیه السلام فقط یک انجیل آورده بود.<sup>۱</sup>

### معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر<sup>۲</sup>

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (راهنما ج ۲)	حسین سوزنجی	انتشارات مدرسه	معلم/ دانش آموز
اصول عقائد و دستورات دینی	سید محمد حسن طباطبایی	دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی	معلم
اصول عقاید	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش آموز
داستان پیامبران	موسوی گرمارودی	قدیانی	دانش آموز
ختم نبوت	مرتضی مطهری	صدرا	معلم
گل‌ها همه آفتاب گردان‌اند	قیصر امین پور	نشر مروارید	دانش آموز

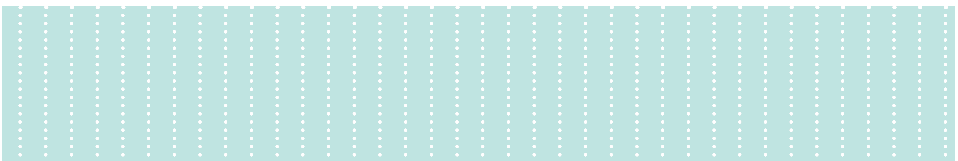
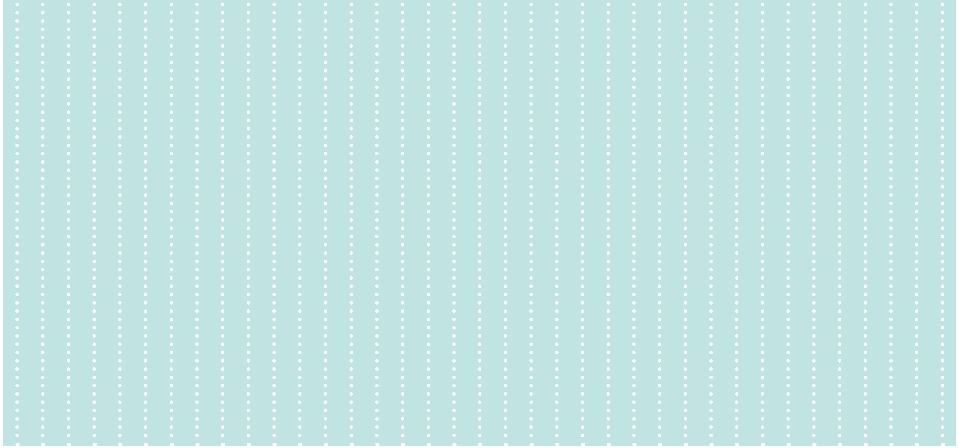
۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به مقدمه آفای جمشیدی غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا» (نشر نیایش) مراجعه کنید.

۲- جهت دستیابی به برخی از این کتاب‌ها می‌توان به آدرس‌های زیر مراجعه کرد:

— کتابخانه دیجیتال نور [noorlib.ir](http://noorlib.ir)

— کتابخانه دیجیتال قائمیه <http://ghbook.ir>

— کتابخانه دیجیتال اهل بیت <http://lib.ahlolbait.com/parvan/home>



الْإِنَّا لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْإِنَّا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا  
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ  
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمِمْ مَوْعِظَةٌ  
 مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ  
 لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ  
 فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ  
 مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا  
 قُلْ أَلَمْ يَأْتِ اللَّهُ آذِنًا لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾  
 وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ  
 لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ  
 مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ  
 شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ  
 مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ  
 مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

بدانید که [مالکیت] آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست؛ بدانید وعده خدا حق است، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. ۵۵

او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده می‌شوید؛ ۵۶

ای مردم، برای شما از جانب پروردگارتان پندی و درمانی برای آنچه [از صفات نکوهیده و عقاید نادرست] در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است. ۵۷

بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند. این از هر آنچه [دارایی و امکانات] که فراهم می‌آورند، بهتر است. ۵۸

بگو: به من خبر دهید از رزقی که خدا برای شما فروفرستاده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال دانسته‌اید، بگو: آیا خدا به شما اجازه داده است که این احکام را صادر کنید، یا بر خدا دروغ می‌بندید؟ ۵۹

کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، [به فرجام خود] در روز قیامت چه گمان می‌برند؟ البته، خداوند از فضل خود به مردم عطا می‌کند، ولی بیشترشان ناسپاسی می‌کنند ۶۰

در هیچ حال [و اندیشه‌ای] نیستی و هیچ بخشی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و تو و دیگران هیچ کاری را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما بر شما گواهییم؛ و هم وزن ذره‌ای [غبار بسیار ریزی که در هوا پراکنده است] نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، و چیزی کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن نیست، مگر اینکه در کتابی روشن ثبت است. ۶۱



## معجزه جاودان

## درس چهارم

تاره‌ای بدرشید و ماه مجلس شد      دل ریمده ما را اینس و مونس شد  
نگار من که به کتب زلفت و خط نوشت      به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده و گواه و دلیل نبوت ایشان است.

در این درس به بررسی این موضوع می‌پردازیم تا بدانیم:  
اولاً چرا معجزه جاوید پیامبر خاتم از نوع کتاب است؟  
ثانیاً قرآن کریم از چه جهاتی معجزه است؟

\*\*\*



تصور کنید که شما در چند هزار سال قبل زندگی می کردید و یک روز می شنیدید که شخصی به نام موسی خود را پیامبر خدا معرفی کرده است و ادعا می کند از جانب خدا برای هدایت انسان ها دستوراتی را آورده است. شما چگونه یقین می کردید که او در ادعایش صادق است و واقعاً از جانب خدا آمده است؟

\*\*\*

هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می شد، برای اینکه مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق العاده ای انجام می داد که هیچ کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آنها نبود<sup>۱</sup>. قرآن کریم این کارهای خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند و اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند؛ زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد در این امور آشکار می شود.

### تناسب معجزه هر پیامبر با زمان خود

پیامبری حضرت موسی علیه السلام در دورانی بود که سحر و جادو رواج داشت. مثلاً ساحران طناب هایی را روی زمین می انداختند و با روش هایی خاص، آنها را به حرکت در می آوردند و مردم تصوّر می کردند که به مار تبدیل شده اند. مردم ساحران را انسان هایی فوق العاده می دانستند و به آنها احترام می گذاشتند.

بنابراین، حضرت موسی علیه السلام باید عملی انجام می داد که فراتر از کار ساحران و جادوگران باشد، تا مردم بدانند که ساحران در برابر قدرت خداوند، ناتوان و ضعیف اند. به همین دلیل بود که ساحران با دیدن عصای حضرت موسی علیه السلام و تبدیل شدن آن به اژدهایی عظیم، نه تنها به معجزه بودن آن اعتراف کردند، بلکه به خدای یگانه ایمان نیز آوردند و نبوت حضرت موسی علیه السلام را تصدیق کردند. گروهی از آنان به همین دلیل، به دستور فرعون به قتل رسیدند.

حضرت عیسی علیه السلام نیز در زمانی مبعوث شد که برخی شاخه های علم، مانند پزشکی پیشرفت زیادی کرده بود و پزشکان، جایگاهی ویژه در جامعه داشتند. معجزه حضرت عیسی علیه السلام نیز بیشتر در همین راستا قرار گرفت؛ مانند شفادادن به بیماری های غیرقابل درمان و زنده کردن مردگان. قرآن کریم از زبان حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

من با نشانه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام

برایتان از گل چیزی چون پرند می سازم

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ  
أَنِّي آخُلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ

۱- فرق معجزه با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و تردستان هم همین است که کارهای آنان با تعلیم و تمرین قابل یادگیری است، اما کار پیامبران به گونه ای است که آنان بدون آموزش قبلی معجزه می کنند و هیچ گاه مغلوب کار دیگران واقع نمی شوند؛ مثلاً وقتی عصای حضرت موسی علیه السلام به اژدها تبدیل می شد، بر کارهای ساحران غلبه می کرد. همچنین هیچ کس نمی توانست مانند آن را انجام دهد.

فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَأْذِنُ اللَّهُ  
وَأَبْرِي الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ  
وَأُحْيِي الْمَوْتَى يَأْذِنُ اللَّهُ.

و در آن می دمم، به اذن خدا پرنده ای شود  
و کور مادرزاد را و برص گرفته را شفا می دهم  
و به فرمان خدا مردگان را زنده می کنم.<sup>۱</sup>

البته معجزات پیامبران گذشته، فقط برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروز اثری از آنها باقی نمانده است.

به نظر شما معجزه آخرین پیامبر الهی که دیش برای تمامی زمان ها (همه مردم روی زمین تا روز قیامت) خواهد بود، چگونه باید باشد؟

\*\*\*

معجزه آخرین پیامبر الهی که می خواهد از جانب خداوند برای همه زمان ها پیامبر باشد، باید به گونه ای باشد که :

۱- مردم زمان خودش به معجزه بودن آن اعتراف کنند و آن را فوق توان بشری بدانند.

۲- آیندگان هم معجزه بودن آن را تأیید کنند.

از این رو، خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم ﷺ را قرآن کریم قرار داد؛ معجزه ای از جنس «کتاب»؛ کتابی که هیچ کس توان آوردن مانند آن را ندارد. خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند، پیشنهاد کرده است تا کتابی همانند آن را بیاورند<sup>۲</sup> و برای اینکه ناتوانی آنها را نشان دهد، این پیشنهاد را به ده سوره کاهش داده است<sup>۳</sup> و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره های قرآن را هم به آنها داده است :

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

می گویند [پیامبر قرآن را] به خداوند افترا بسته است

قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

بگو : اگر می توانید یک سوره همانند آن را بیاورید.<sup>۴</sup>

اما تأکید می کند که هیچ گاه نمی توانند همانند قرآن را بیاورند :

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ

بگو : اگر تمامی انس و جن جمع شوند

عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ

تا همانند قرآن را بیاورند،

لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ

نمی توانند همانند آن را بیاورند،

وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.

هر چند پشتیبان هم باشند.<sup>۵</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۸.

۳- سوره هود، آیه ۱۳.

۴- سوره یونس، آیه ۳۸.

۵- سوره اسراء، آیه ۸۸.

از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است، بیش از چهارده قرن می‌گذرد و این دعوت همچنان ادامه دارد. مخالفان سرسخت اسلام از همان ابتدای نزول قرآن کریم تاکنون، در این باره تلاش بسیار کرده‌اند تا عظمت قرآن را زیر سؤال ببرند، اما نتوانسته‌اند سوره‌ای حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که اندیشمندان و متخصصان زمان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن بپذیرند؛ درحالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

آری، از گذشته دور تا امروز، مخالفان قرآن کریم متن‌هایی ارائه کرده‌اند که برای افراد غیرمتخصص ممکن است بی‌عیب جلوه کند، اما تاکنون هیچ‌یک از این متن‌ها در مراکز علمی و تخصصی، مورد قبول واقع نشده است و جملگی به فراموشی سپرده شده‌اند.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا خداوند، معجزه آخرین پیامبر خود را کتاب قرار داده است؟

### پاسخ سوالات شما

برخی می‌پرسند که آیا پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به غیر از معجزه جاوید خود که متعلق به همه عصرها و دوران‌هاست، معجزات دیگری نیز برای مردم زمان خود داشتند؟ پاسخ اینکه: بله، پیامبر در کنار معجزه اصلی خود (قرآن) معجزات دیگری نیز داشت. معجزاتی مانند حرکت کردن و دو نیم شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر، ستون حنانه و ... حضرت علی عَلِيٌّ در یکی از سخنان خود می‌فرماید:

من با پیامبر اکرم بودم که گروهی از بزرگان قریش آمدند و گفتند: ای محمد، تو ادعای بزرگی کرده‌ای که نه پدران چنان کرده بودند و نه یکی از خاندانت. ما از تو چیزی می‌خواهیم که اگر بپذیری و انجام دهی، بی‌می‌بریم که تو فرستاده خدا هستی و اگر انجام ندهی، بر ما مشخص می‌شود که جادوگر و دروغ‌گویی.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: چه می‌خواهید؟ گفتند: به آن درخت بگو از ریشه درآید و بیاید پیش روی تو بایستد. پیامبر گفت: خدا بر هر کاری تواناست. آیا اگر خدا برای شما چنین کند، ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری

گفت: اکنون آنچه خواسته‌اید به شما نشان خواهیم داد، ولی می‌دانم که به راه خیر باز نمی‌گردید.

سپس گفت: ای درخت، اگر به خدا و روز جزا ایمان داری و می‌دانی که من پیامبر خدا هستم، به اذن خدا از ریشه درآی و بیا در برابر من بایست. درخت از جای درآمد و نزد پیامبر آمد و شاخه‌های بالایی خود را بر رسول الله سایبان کرد و یکی از شاخه‌هایش را نیز بر شانه من نهاد که در طرف راست آن حضرت بودم.

آن گروه به آن نگرستند و از روی تکبر و گردنکشی گفتند: حال دستور بده نیمی از آن، نزد تو بیاید و نیم دیگر جای خودش بماند. پیامبر فرمان داد. نیمی از درخت نزد او آمد. آنها از روی کبر و سرکشی گفتند: حال دستور بده تا به نیم دیگر خود ملحق شود. پس پیامبر امر فرمود و درخت بازگشت.

من گفتم: لاله‌الاالله. ای رسول خدا، من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده‌ام و نخستین کسی هستم که گواهی می‌دهم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی، انجام داد.

بزرگان قریش گفتند این مرد جادوگری دروغ‌گوست و در جادوگری مهارت خیلی زیادی دارد. سپس گفتند: آیا جز همانند این (مقصودشان من بودم) کسی تو را در کارت تصدیق می‌کند؟



## جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است: اول از جنبه لفظی و دوم از جنبه محتوایی؛ قرآن کریم در هر دو جنبه معجزه است:

**۱- اعجاز لفظی:** خداوند قرآن کریم را با همین حروف و کلماتی که در دسترس بشر است، نازل کرده است.

اما چون خداوند بر همه امور داناست، برای بیان معارف ژرف و عمیق قرآن، زیباترین و مناسب‌ترین کلمات و عبارات را انتخاب کرده است تا به بهترین وجه، معنای مورد نظر را برساند و دل‌های آماده را به سوی حق جذب کند. هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، درمی‌یابد که آیات آن با سایر سخن‌ها کاملاً فرق می‌کند و به شیوه‌ای خاص بیان شده است.

این حقیقت، از همان آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفته بود. ساختار زیبا و آهنگ موزون و دلنشین کلمه‌ها و جمله‌ها، شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود اختصار سبب شده بود که سران مشرکان، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند و اگر کسی برای شنیدن قرآن نزد پیامبر می‌رفت، یا از

پشت دیوار خانه پیامبر، به قرآن خواندن ایشان گوش فرا می داد، او را مجازات می کردند. همین زیبایی لفظی، سبب نفوذ خارق العاده این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تأثیر آن به دین اسلام گرویده اند.

### بیشتر بدانیم

#### کافری که مجذوب قرآن شد!

ولیدبن مغیره از بزرگان مکه بود. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر ﷺ آمد تا از نزدیک شخصیت او و معجزه اش را بررسی کند. پیامبر ﷺ قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت:

سوگند می خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد. از آن روز زمره در میان قریش افتاد که حتی ولید نیز مجذوب گفتار پیامبر شده است.<sup>۱</sup>

### دانش تکمیلی ۱

اگر مایلید با نمونه های بیشتری از کسانی که با شنیدن تلاوت قرآن تحت تأثیر زیبایی لفظی و آهنگ موزون آن قرار گرفته و مسلمان شده اند، آشنا شوید به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

### ۲- اعجاز محتوایی: گذشته از اعجاز لفظی، قرآن کریم از نظر محتوا و مطالب آن

ویژگی هایی دارد که نشان می دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن، چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. این جنبه از اعجاز برای کسانی که زبان قرآن را نمی دانند و فقط از ترجمه ها استفاده می کنند نیز قابل فهم و ادراک است. برخی از این جنبه های اعجازی عبارت اند از:

### الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی: می دانیم که آثار و نوشته های اولیه دانشمندان

و متفکران با آثار دوران پختگی آنها متفاوت است. از این رو، دانشمندان معمولاً در نوشته های گذشته خود تجدید نظر می کنند و اگر بتوانند، کتاب های گذشته خود را اصلاح می نمایند.

۱- قرآن و آخرین پیامبر، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۷۸.

با اینکه بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، نه تنها میان آیات آن، تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می کنند.

### تدبیر کنید

خداوند در قرآن می فرماید :

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا<sup>۱</sup>  
با توجه به این آیه بیان کنید چرا خداوند بر این نکته تأکید دارد که اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، قطعاً ناسازگاری و اختلافات زیادی در آن یافت می شد؟

**(ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت:** در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز، آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی همچون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها سخن گفته است.

**(ج) جامعیت و همه جانبه بودن:** با وجود اینکه قرآن کریم حدود پانزده قرن پیش نازل شده، در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت به سوی کمال بدان نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی، یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید؛ بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت به آن احتیاج دارد، در کتابش**

**[قرآن] آورده است.**<sup>۲</sup>

البته روشن است که منظور از آنچه مورد نیاز است، نیازهای مربوط به برنامه زندگی و هدایت انسان‌هاست؛ یعنی همان نیازهایی که پیامبران به خاطر آنها فرستاده شده‌اند.

**(د) ذکر نکات علمی بی سابقه:** در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم به برخی نکات علمی

۱- سورة نساء، آیه ۸۲.

۲- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئاً نَحْتِاجُ إِلَيْهِ إِلَّا مَعَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ». (کافی، ج ۱، ص ۲۶۱)

اشاره می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی‌سابقه بود و بعدها به مرور زمان توسط دانشمندان کشف گردید.<sup>۱</sup> اشاره به این قبیل نکات علمی، گویای آن است که قرآن کریم بسیار فراتر از علم آن روز جامعه، سخن گفته و ذکر این قبیل نکات علمی فقط از کسی ساخته است که آگاه به همه علوم باشد؛ یعنی خداوند متعال. به چند نمونه از نکات علمی قرآن کریم توجه کنید:

### ۱- نیروی جاذبه

تا قبل از قرن هجدهم میلادی دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها، چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند. اما قرن‌ها قبل از آن، قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، خبر داد و آن را عامل درهم زرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود:

خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.<sup>۲</sup>

### ۲- انبساط جهان

نظریه انبساط جهان، یکی از مهم‌ترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. بر طبق این نظریه، کهکشان‌ها با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن، جهان هستی مدام در حال گسترش و انبساط است. مطلبی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»

و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.<sup>۳</sup>

## بیشتر بدانیم

### نمونه دیگر از معجزات علمی قرآن:

ماه تابان و خورشید درخشان

خداوند در قرآن کریم از ماه با تعبیر «منیر» و از خورشید با تعبیر «سراج» یاد کرده است. در زبان عربی، منیر به شیء نورانی‌ای گفته می‌شود که از خودش نوری ندارد، اما نور از منبع دیگری بر روی آن می‌تابد، در حالی که سراج به شیء نورانی‌ای می‌گویند که نورش از درون خودش است.<sup>۴</sup> قرآن کریم قرن‌ها قبل از آنکه بشر به این نکته بی‌بیرد که نور ماه از خودش نیست و آن را از خورشید دریافت می‌کند، به زیبایی، این نکته را بیان کرده است:

«تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا»<sup>۵</sup>

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و داشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از این روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۲- سوره رعد، آیه ۲.

۳- سوره ذاریات، آیه ۴۷.

۴- قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۰۳؛ مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۶۷.

۵- سوره فرقان، آیه ۶۱.

یکی دیگر از نمونه‌های اعجاز محتوایی قرآن، خبر دادن قرآن از حوادث آینده به مسلمانان صدر اسلام بود. اگر علاقه‌مندید می‌توانید برای آشنایی با نمونه‌هایی از این اخبار، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

### قرآن از نگاه دانشمندان جهان

دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی آن خضوع می‌کنند و از این کتاب، به بزرگی یاد می‌نمایند. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید:<sup>۱</sup>

۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیک‌دان بزرگ) Albert Einstein :

قرآن، کتاب جبر، هندسه، یا حساب نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

۲- پروفیسور هانری کرین (فیلسوف معاصر فرانسوی) H. Corbin :

اگر اندیشه محمد ﷺ خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرئت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ‌یک از افراد بشر و هیچ شیوه تفکری به اندازه محمد ﷺ و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آنجا که در قرآن، نهصد و پنجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی) D. Goustawe Lebon :

قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود، بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آنها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن، به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

۱- برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان» از محمد مهدی علیقلی و تلیخیص کاظم تقی‌زاده.



با توجه به آیه زیر، چرا خداوند معجزه جاوید خود را توسط پیامبری به دست مردم رساند که نزد هیچ کس درس نخوانده بود؟ اگر این کتاب توسط یکی از درس خواندگان و دانشمندان جامعه آورده می شد، ممکن بود چه شک و شبهه‌ای ایجاد شود؟

وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُطَّلُونَ<sup>۱</sup>؛ و پیش از آن، هیچ نوشته‌ای را نمی خواندی و با دست خود، آن را نمی نوشتی که در آن صورت، کجروان به شک می افتادند.

۱- به نظر شما چرا اندیشه دانشمندان به مرور زمان تغییر می کند؟ این ویژگی، چگونه الهی بودن قرآن را اثبات می کند؟

۲- با توجه به دو متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

الف) شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم به تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۸ بار از فکر کردن، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، و نیز ده ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

ب) در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می شد. به گونه ای که اگر خانواده ای فرزند دختر به دنیا می آورد، احساس شرم می کرد؛<sup>۲</sup> در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می بخشد؛<sup>۳</sup> و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی کند.<sup>۴</sup> علاوه بر این، قرآن کریم برای زن، حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و بهره کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بردوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده مرد قرار نگیرد.

• متن الف به کدام یک از انواع اعجازهای لفظی و محتوایی اشاره می کند؟

• متن ب به کدام یک از انواع اعجاز محتوایی اشاره می کند؟

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۸.

۲- سوره نحل، آیه ۵۸.

۳- سوره نحل، آیه ۹۷.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

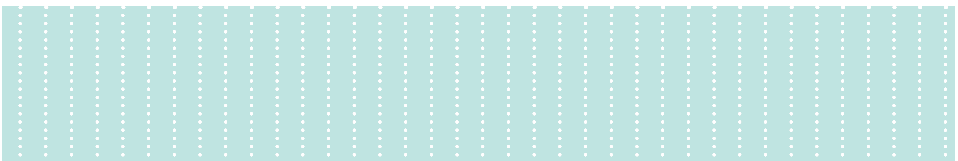
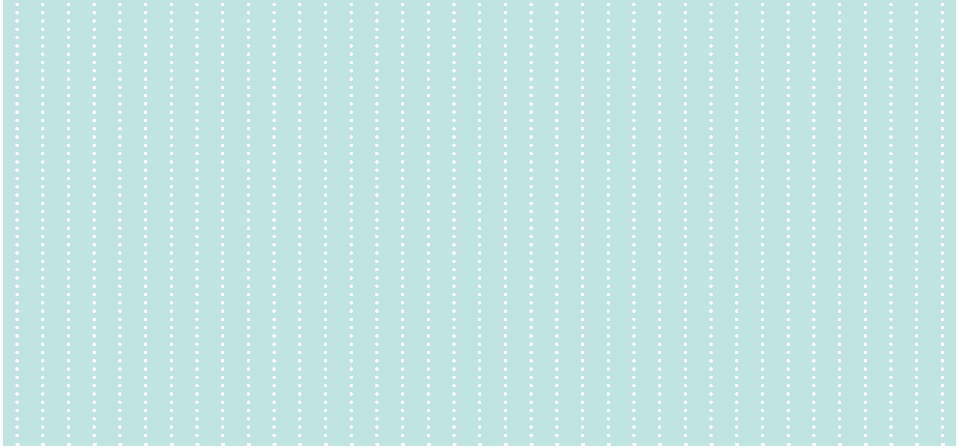
## پیشنهاد

در یک کار تحقیقی، برخی نمونه‌های دیگر از اعجازهای علمی قرآن را پیدا و در کلاس بیان کنید.

## معرفی کتاب

معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تدوین قرآن	علی کورانی	مؤسسه فرهنگی طه	معلم
قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان	محمد مهدی علیقلی	نشر سینا	معلم/ دانش‌آموز
قرآن و آخرین پدیده‌های علمی	جعفر رضایی فر	فوزان	معلم/ دانش‌آموز
قرآن و آخرین پیامبر	آیت الله مکارم شیرازی	دارالکتب الاسلامیه	معلم/ دانش‌آموز



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ  
 وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا  
 إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ  
 وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦١﴾  
 وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ  
 رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦٢﴾ فَكَيْفَ  
 إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءَكَ  
 يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٣﴾  
 أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ  
 وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا  
 مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا  
 أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ  
 لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٥﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ  
 حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا  
 فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٦﴾

آیا ندیده‌ای کسانی را که ادعا می‌کنند به آنچه به سوی تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده‌اند، [اما در عین حال] می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، با اینکه فرمان یافته‌اند بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به بیراهه‌ای که با حق فاصله‌ای دور و دراز دارد، سوق دهد. ﴿۶۰﴾

و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی این پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی برمی‌تابند. ﴿۶۱﴾

پس چگونه خواهد بود حال آنها آن‌گاه که بر اثر کاری که به دست خود کرده‌اند گزندى به آنان رسد، سپس نزد تو آیند و به خدا سوگند خورند که هدف ما از بردن داوری نزد دیگران چیزی جز نیکی [رنج نرساندن به تو] و سازش [میان مشاجره‌کنندگان] نبود؟ ﴿۶۲﴾

اینان کسانی‌اند که خدا آنچه را که در دل دارند می‌داند؛ پس از آنان روی بگردان و اندریشان ده و به ایشان دربارهٔ خودشان گفتار رسا [مؤثر و سودمند] بگو. ﴿۶۳﴾  
ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا در همهٔ امور از او پیروی شود؛ اگر آنان پس از آنکه بر خود ستم کردند نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. ﴿۶۴﴾

ولی چنین نیست؛ به پروردگارت سوگند، آنان مؤمن نیستند مگر اینکه تو را در آنچه میانشان مایهٔ اختلاف است به داوری طلبند، آن‌گاه از داوری تو در خود، احساس هیچ‌گونه ناخرسندی و ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم حکم تو باشند. ﴿۶۵﴾



## درس پنجم

# مسئولیت‌های پیامبر ﷺ



پیامبر اکرم ﷺ، به‌عنوان آخرین پیام‌رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به آخرین و کامل‌ترین برنامه هدایت فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی، تلاش بسیاری کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، به این سؤال می‌پردازیم که:

خداوند متعال چه مسئولیت‌ها و وظایفی را بر عهده آن حضرت گذاشته است؟

تعلیمات قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان به عنوان فرستاده خداوند، سه مسئولیت مهم را عهده‌دار بود:

## ۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون ذره‌ای کم یا زیاد به مردم می‌رساند.

پیامبر اکرم ﷺ این مسئولیت را به طور کامل انجام داد و همه آیات قرآن را برای مردم خواند. همچنین نویسندگانی را مأمور نوشتن قرآن نمود؛ عده زیادی نیز با اشتیاق، آیات قرآن را فرامی‌گرفتند و در سینه خود حفظ و به آن عمل می‌کردند. یکی از یاران پیامبر، به نام عبدالله بن مسعود می‌گوید: «ما ده آیه از قرآن را از پیامبر فرا می‌گرفتیم و بعد از اینکه در معنای آن تفکر می‌کردیم و به آن عمل می‌نمودیم، بار دیگر برای یاد گرفتن آیات بعدی، نزد پیامبر می‌رفتیم».

نویسندگان قرآن را «کاتبان وحی» و آنان که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ می‌کردند، «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن کریم، حضرت علی علیه السلام بود.

پیامبر اکرم ﷺ همچنین قرآن کریم را که به تدریج نازل می‌شد، مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که قرن‌ها از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا ﷺ آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند.

## دانش تکمیلی ۱

اگر دوست دارید اطلاعات بیشتری در مورد شیوه تنظیم آیات توسط پیامبر ﷺ کسب کنید، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

## ۲- تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینی)

پیامبر اکرم ﷺ، علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر ﷺ اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است؛ و مسلمانان با مراجعه به گفتار و رفتار آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما

هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آنها در قرآن کریم آمده است، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ انجام می‌دهیم. به راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

### تدبیر کنید

به کمک دوستان خود بیان کنید که آیه زیر، به کدام یک از مسئولیت‌های پیامبر اشاره دارد:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ<sup>۱</sup>.

### ۳- اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری)

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ﷺ ولایت بر جامعه است. ولایت به معنای سرپرستی و رهبری است. ایشان به محض اینکه مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجران)، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج با توسعه حکومت اسلامی، سایر احکام خداوند را در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و... با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت.

روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آنها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آنها این حدیث امام باقر علیه‌السلام است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ	اسلام بر پنج پایه استوار است:
عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ	بر نماز، زکات،
وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ	روزه، حج و ولایت،
وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ	و به چیز دیگری دعوت نشده
كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ	آن گونه که [مردم] به ولایت دعوت شده‌اند <sup>۱</sup> .

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۶۴

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱.



## نمونه‌هایی از اقدامات پیامبر در تشکیل حکومت اسلامی

پیامبر اکرم ﷺ وقتی به مدینه هجرت کرد، ابتدا اقدام به ساختن مسجد کرد تا محل و پایگاهی برای رسیدگی به امور جامعه داشته باشد؛ سپس مسلمانان را گرد آورد و میان آنان، پیمان اخوت و برادری بست. برای اداره کشور و کمک به فقیران و انجام کارهای عمومی، به امر خدا خمس و زکات را مقرر کرد و محلی به نام «بیت‌المال» تأسیس کرد تا پول و اموالی که مربوط به حکومت اسلامی است در آنجا ذخیره و در زمان مناسب هزینه شود.

باسوادها را مأمور کرد تا به دیگران سواد بیاموزند، به گونه‌ای که حتی اگر اسیری ده نفر از مسلمانان را باسواد می‌کرد، آزاد می‌شد. با کشورهای دیگر رابطه برقرار کرد و نمایندگانی را به سوی کشورهای مختلف از جمله ایران و روم فرستاد و پادشاهان آنان را به اسلام دعوت کرد.

برای حفظ سرزمین اسلامی از تهاجم کفار، سپاه و لشکر تشکیل داد. در سال هشتم هجری، برای حفظ سرزمین اسلامی از تعرض رومیان، به مرز روم شرقی لشکر کشید و آنان را عقب راند. مردم را با شیوه زندگی اسلامی آشنا کرد و روابط اجتماعی صحیح را به آنان تعلیم داد؛ به طوری که پس از گذشت زمانی محدود، مردم حجاز را که بیشترشان بیابانگرد بودند، به جامعه و امتی یکپارچه و قانونمند تبدیل کرد که خدای یگانه را می‌پرستیدند، با مسلمانان از هر رنگ و نژاد احساس برادری می‌کردند، حق همسایه را رعایت می‌کردند، حقوق مالی خود را می‌پرداختند، از فقیران دستگیری می‌کردند و یتیم را سرپرستی می‌نمودند؛ به معروف امر می‌کردند و از منکر نهی می‌نمودند، بر اساس قوانین اسلام تجارت می‌نمودند، در برابر مهاجم و بیگانه یک صدا بوده و در صف واحد مبارزه می‌کردند.

## ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا جامعه اسلامی نیازمند حکومت اسلامی است؟ و چرا

ولایت و حکومت، یکی از مهم‌ترین دستورات اسلامی شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیادی ذکر شده که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام: اسلام یک دین کاملاً اجتماعی است؛ یعنی

علاوه بر توجه به فرد، به زندگی اجتماعی توجه کامل دارد و حتی تا آنجا که مقدور بوده، به برخی احکام

فردی، همچون عبادت نیز جنبه اجتماعی داده است؛ مثلاً نماز جماعت را از نماز فردی برتر دانسته و برای آن ثواب بیشتری قرار داده است.

اصولاً یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند، ولی ابزار و شیوه رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم احکام اجتماعی متعددی دارد؛ مانند خمس، زکات، حقوق و مسئولیت‌های خانواده و جامعه، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد با تجاوزگران و ستمکاران. روشن است که اجرای این قوانین، بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست.

**ب) ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت:** ولی و سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به‌گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او بازگردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانونگذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشئت گرفته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است. بنابراین، لازم است در جامعه، حکومتی وجود داشته باشد که «طاغوتی» نباشد؛ یعنی مورد پذیرش خداوند باشد و دستورات الهی را که در قرآن و روایات آمده است، به اجرا در آورد.

**ج) ضرورت حفظ استقلال جامعه اسلامی:** یکی دیگر از عواملی که تشکیل حکومت اسلامی را ضروری می‌کند، استقلال جامعه اسلامی است. قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آنها نروند؛ این حکم قرآنی را «قاعده نفی سبیل» می‌گویند.<sup>۱</sup> مستکبران و ستمگران جهان همواره بر آن اند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی و معنوی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان برای تسلط بر مسلمانان راهی را نیابند.

۱- «نفی سبیل»، به معنای «نبودن راه» است؛ یعنی بستن راه نفوذ؛ یعنی بیگانگان نباید راهی برای سلطه و نفوذ در جامعه اسلامی داشته

در آیات زیر تفکر کنید و مشخص کنید که دلایل مطرح شده در بحث ضرورت حکومت اسلامی، با کدام یک از آیات زیر مرتبط است.

۱- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا<sup>۱</sup>.

«آیا ندیده‌ای کسانی که گمان می‌برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می‌خواهند داوری به نزد طاغوت برند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند».

۲- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ<sup>۲</sup>.

«به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند».

۳- ... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا<sup>۳</sup>.

«و خداوند هرگز راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

سوره، آیه	دلیل
سوره نساء، آیه ۶۰	
سوره حدید، آیه ۲۵	
سوره نساء، آیه ۱۴۱	

## کشف رابطه

امام خمینی علیه السلام رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و ببینید که با کدام یک از دلایل تشکیل حکومت ارتباط دارد.

۱- سوره نساء، آیه ۶۰.

۲- سوره حدید، آیه ۲۵.

۳- سوره نساء، آیه ۱۴۱.

دلیل	سخنان امام خمینی <small>علیه السلام</small>
	به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است؛ چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. <sup>۱</sup>
	مذهب اسلام هم‌زمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. <sup>۲</sup>



### ولایت معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

همان طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند، مسئول تشکیل حکومت و اجرای قوانین اسلام است؛ یعنی ولایت و سرپرستی جامعه را بر عهده دارد و این، همان ولایت ظاهری است. اما آن حضرت ولایت معنوی را نیز عهده‌دار است. ولایت معنوی همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست که مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری شمرده می‌شود. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد. ایشان با استفاده از این قدرت و ولایت، دل‌های آماده را نیز هدایت می‌کند. البته این هدایت، یک کار ظاهری، یعنی از طریق آموزش معمولی و عمومی نیست؛ بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند آن، صورت می‌گیرد. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت، به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند.

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰.

۲- صحیفه امام خمینی، ج ۴، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا ﷺ با حضرت علی علیه السلام ببینیم. آن حضرت از همان دوران کودکی که تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی‌نظیر خود، مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش‌های معمولی، از هدایت‌های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می‌برد. آن حضرت فرموده است: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد». روشن است که آموزش این علوم از طریق آموختن معمولی نبوده، بلکه به صورت الهام بر روح و جان حضرت علی علیه السلام بوده است.<sup>۱</sup>

## بیشتر بدانیم

### نمونه‌ای از ولایت معنوی

اویس قرنی، جوانی از اهل یمن بود که بدون دیدن رسول خدا ﷺ به ایشان ایمان آورد و با اینکه هیچ‌گاه موفق به دیدن رسول خدا نشد، به درجات بالایی از ایمان و عمل رسید. یک بار هم که برای دیدن رسول خدا، به مدینه آمد، ایشان در مدینه نبود و ناچار شد به سرعت به شهر خود بازگردد؛ زیرا مادر پیر و سالخورده‌ای داشت و مادرش از او قول گرفته بود که بیش از چند ساعتی در مدینه نماند و زود برگردد. عشق و ارادت اویس به رسول خدا بسیار زیاد بود. رسول خدا نیز به ایشان محبت داشت و گاه می‌فرمود بوی خوش بهشت را از یمن استشمام می‌کنم. اویس از همان فاصله دور توسط رسول خدا تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید. پس از رحلت رسول خدا ﷺ خدمت امام علی علیه السلام رسید و از یاران با اخلاص ایشان شد و بالاخره در جنگ صفین به شهادت رسید.

این هدایت معنوی، شکل‌ها و صورت‌های مختلف دارد و با لیاقت و استعداد افراد متناسب است. بسیار پیش آمده که عالمی پاک سرشت با همه تلاشی که کرده، در حلّ یک مسئله علمی بازمانده است و رسول خدا ﷺ به صورت الهام در خواب یا بیداری، او را هدایت کرده است.

### عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

عصمت، به معنای محفوظ بودن از گناه و خطاست. یکی از ویژگی‌های پیامبران، محفوظ بودن آنان از گناه بوده است؛ یعنی آنان کارهایی را که خداوند واجب کرده است، انجام می‌دادند و کارهایی

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول.

۲- بدایة المعارف، محمدرضا مظفر، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ص ۴۶. بسیاری از ابعاد ولایت معنوی رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره آمده است.

را که خداوند حرام کرده است، ترک می‌کردند و این لازمهٔ پیامبری آنان بود؛ زیرا بدون عصمت، اعتماد مردم به پیامبران از بین می‌رفت و از آنان پیروی نمی‌کردند. به عبارت دیگر، بدون وجود عصمت، مسئولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید؛ زیرا :

❁ اگر پیامبری در دریافت وحی و ابلاغ آن به مردم معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت از مردم سلب می‌شود.

❁ اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی الهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود.

❁ اگر پیامبری در اجرای احکام الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستوره‌ای خداست، انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و مانند او عمل کنند و به گمراهی دچار شوند.

حال، می‌توان پرسید : چه کسی تشخیص می‌دهد که کدام فرد توانایی مقاومت در مقابل وسوسهٔ گناه دارد؟ روشن است که این کار از انسان‌ها ساخته نیست و فقط خداوند است که از آشکار و نهان افراد اطلاع دارد و می‌تواند توانایی فرد در دوری از گناه را تشخیص دهد. بنابراین، وقتی خداوند کسی را به پیامبری برمی‌گزیند، معلوم می‌شود که وی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد. خدای متعال در این باره می‌فرماید :

«اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ **خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد.**<sup>۱</sup>

حال ببینیم که معصومیت از گناه و خطا به چه صورت است. آیا یک مانع بیرونی مانند فرشته، پیامبران را از گناه و خطا حفظ می‌کند یا آنان با اختیار خود به سمت گناه و خطا نمی‌روند؟

در پاسخ می‌گوییم : پیامبران با اینکه مانند ما انسان‌ها غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی‌شوند؛ زیرا کسی گناه می‌کند که هوی و هوس بر او غلبه کند و کسی که حقیقت گناه و معصیت را مشاهده می‌کند و می‌داند که با انجام آن، از چشم خدا می‌افتد و از لطف و رحمت او دور می‌شود، محبت به خداوند را با هیچ چیز عوض نمی‌کند.

البته ما انسان‌ها نیز در مورد بعضی از گناهان معصوم هستیم و حتی تصور آنها نیز برای ما ناراحت‌کننده و آزاردهنده است، اما پیامبران دربارهٔ همهٔ گناهان عصمت دارند.

برخی می پرسند اگر پیامبر و امامان معصوم اند، پس چرا این قدر به درگاه خداوند استغفار می کردند؟

پاسخ اینکه: استغفار پیامبران و امامان به درگاه خداوند از چند جهت بود:

۱- استغفار و توبه مراتب و درجاتی متناسب با توبه کنندگان دارد. توبه گنهکاران برای رفع گناه است و توبه و استغفار اولیای الهی برای دفع گناه. چنان که گاهی لباسی آلوده می شود و برای پاک و تمیز کردن، آن را می شویند (رفع) و گاهی لباس چنان شفاف و تمیز است که با دقت مراقب اند تا آلوده نشود (دفع).

اولیای خدا با اشک و آه از خداوند می خواهند که آنان را در عرصه مبارزه با شیطان پیروز گرداند تا قلب آنان آلوده به گناه نشود. آنان به خوبی می دانند که اگر یک لحظه لطف خداوند از آنان گرفته شود به دام نفس امّاره و شیطان می افتند.

۲- اولیای الهی وقتی به خود و اعمال خویش می نگرند با تمام عظمت و بزرگی که آن اعمال دارند، آنها را در برابر عظمت بی نهایت الهی بسیار کوچک می بینند؛ مانند کسی که مهم ترین دارایی اش مقداری آب گل آلود باشد و آن را برای سلطان و پادشاهی هدیه ببرد و چون عظمت بارگاه پادشاه را می بیند، از آنچه آورده، سخت شرمسار و سرافکنده می گردد. پیامبران و امامان به دلیل تواضع و فروتنی ای که در برابر خداوند دارند، اعمال خود را در برابر آن همه لطف و محبت خداوند به بندگانش بسیار ناچیز می دانند. به همین دلیل، از ناچیز بودن اعمال خود شرمنده اند و به درگاه خداوند عذرخواه اند.

۳- از سویی مسئولیت پیامبر و ائمه علیهم السلام ایجاب می کرد تا آنان با افراد مختلفی سر و کار داشته باشند. از صالحان و نیکان گرفته تا انسان های آلوده به گناه و تبهکار.

معشرت زیاد پیامبران با مردم باعث می شد آنان احساس کنند که غباری بر قلب شان نشسته است که با استغفار به دنبال زدودن آن باشند. چنان که پیامبر فرمود:

«أَنْتَ لِيْغَانٌ عَلَى قَلْبِيْ وَآتَى لَأَسْتَغْفِرَ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً»؛ «گاهی بر دلم غبار می نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می خواهم»<sup>۱</sup>.

البته این غباری که پیامبر می فرمایند بر قلب ایشان نشسته است با غباری که به دلیل گناهان بر



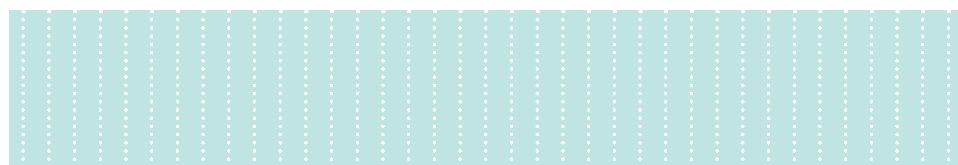
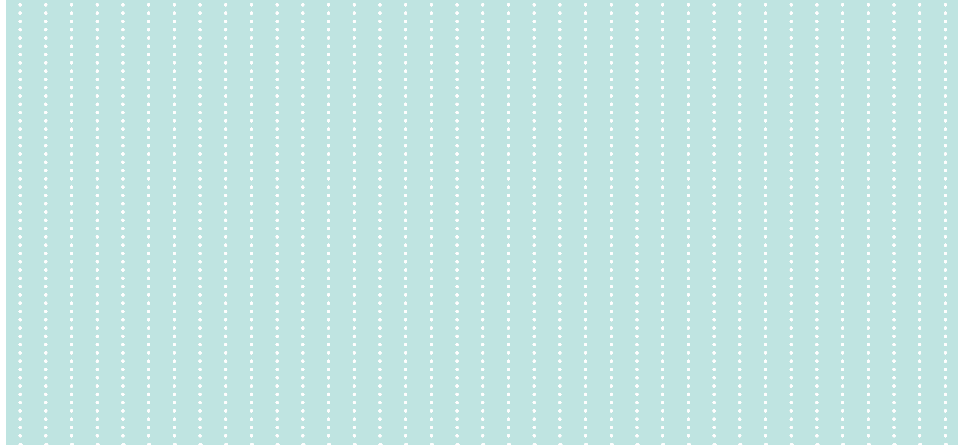
قلب ما می نشیند تفاوت دارد. به طور مثال اگر سالن بزرگی را با نور کمی روشن کنیم، جز اشییای بزرگ را نخواهیم دید، ولی اگر همین سالن را با نور زیاد روشن کنیم، حتی یک دانهٔ ارزن هم دیده می شود. پس می توان گفت: چون نور ایمان افراد عادی کم است؛ تنها، گناهان بزرگ خود را می بینند، ولی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام که از نور ایمان بسیار بالایی برخوردارند، اگر از هر لحظهٔ عمرشان در حد اعلی بهره مند نشوند استغفار می کنند.

## اندیشه و تحقیق

- ۱- نمونه هایی از احکام اجتماعی اسلام که اجرای آنها نیازمند تشکیل حکومت است را بیان کنید.
- ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منظور هدایت مردم، علاوه بر ابلاغ وحی عهده دار چه مسئولیت هایی بود؟
- ۳- به نظر شما کدام یک از احکام و دستورات دین اسلام نیاز بیشتری به تشکیل حکومت الهی دارد؟
  - (الف) نماز و روزه واجب
  - (ب) حج
  - (ج) امر به معروف و نهی از منکر
  - (د) حجاب و پوشش
  - (ه) توانمندی نظامی و ایجاد رعب در دل دشمنان
  - (و) نفی سلطهٔ بیگانگان
  - (ز) کمک به مسلمانان گرفتار در نقاط مختلف جهان
- ۴- با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام بیان کنید که چرا ولایت، از نماز و روزه و سایر عبادات مهم تر است؟

## معرفی کتاب

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
معلم/ دانش آموز	کانون اندیشه جوان	احد فرامرز قرا ملکی	قلمرو پیامبران
معلم/ دانش آموز	اسراء	آیت الله جوادی آملی	نسیم اندیشه (پرسش ها و پاسخ ها)
معلم	صدرا	مرتضی مطهری	وحی و نبوت



فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا  
عَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ  
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ  
فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ  
﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ  
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ  
وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى  
كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ  
رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا أَوْلَاهُ  
جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ  
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ  
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ  
وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

ای پیامبر، به سبب لطف و رحمت خدا بود که با مردم نرم‌خویی و مهربانی کردی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده شده بودند. پس اکنون هم از خطاهایشان درگذر و [حتی] از خدا برایشان آمرزش بخواه و در تدبیر امور با آنان مشورت کن، و چون بر کاری تصمیم گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن که خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد و آنان را یاری می‌کند. ﴿۱۵۹﴾

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره نمی‌شود، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ پس مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. ﴿۱۶۰﴾  
 [گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که] و هیچ پیامبری را نشاید که به خدا یا مردم خیانت کند [چه رسد به خاتم الانبیاء]، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه که از راه خیانت به دست آورده حاضر شود، سپس به هر کسی همان را که فراهم آورده است، بی‌کم‌وکاست خواهند داد و [به همین دلیل] در حق آنان ستم نمی‌شود. ﴿۱۶۱﴾  
 پس آیا کسی که خشنودی خدا را دنبال کرده، مانند کسی است که با خشمی از خدا بازگشته و جایگاهش دوزخ است؟ آن بد بازگستگاهی است. ﴿۱۶۲﴾

همه آنان - چه کسانی که در پی خشنودی خداوند و چه کسانی که دچار خشم او شده‌اند - نزد خدا برحسب اعمالشان دارای درجاتی گوناگونند، و خدا به آنچه [از نیکی و بدی] می‌کنند بیناست. ﴿۱۶۳﴾

به یقین خدا به مؤمنان نعمتی بزرگ ارزانی داشت که پیامبری از خودشان [نه از فرشته یا جن] در میان آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را [از کارهای زشت و اخلاق ناپسند] پاک سازد و کتاب آسمانی و معارف آن را به ایشان بیاموزد، و قطعاً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری فرورفته بودند. ﴿۱۶۴﴾